با معلولین

در میان هزاران هزار وبلاگ نویس ایرانی که هر روز، در سایت های مختلفی همچون «پرشین بلاگ» مطالبی، از هجو هجو گرفته تا جدی جدی می نویسند، از دیدن وبلاگی به نام «مادر یک روشندل» خیلی خوشحال شدم. گاهگاهی به وبلاگش سر می زدم و از خواندن مطالب جالبی که می نوشت، پی بردم که این خانم، مادر دو پسر ۵ ساله و ۴ ماهه به نام حسن و حسین است که پسر بزرگترش (حسن) کم بیناست، آنچه که در این نوشته ها، نظرم را به خود جلب کرد، روحیه قوی و با نشاط این مادر بود که به جای القاء سختی ها، با هر خاطره اش، شیرینی و امید را در قلب و روح آدم می دواند. برایش ای .میل زدم و از او خواستم که برای یک گفتگوی دوستانه، به دفتر روزنامه بیاید، با صمیمیت پذیرفت، با این شرط که اسم و مشخصاتش پیش ما محفوظ بماند.

وقتی «مادر یک روشندل» آمد، زود فهمیدم که دلش خیلی پر است. حرف هایش را از مهدکودک نابینایان شروع کرد و گفت که پسرش حسن، ۳ سال است که به این مهد کودک می رود:

«. سال اول، مشکل آموزشی حسن زیاد نبود اما بعداً به مرور، مسائل جدیدی پیدا شد و دیگر چیز جدیدی برای آموزش به بچه های نابینا وجود نداشت، مادرها از تکراری بودن آموزش ها، امکانات پایین مهد کودک و عدم رسیدگی کامل به بچه ها ناراضی بودند. اسباب بازی ها خیلی کهنه بود. آموزش ها به کارهایی مثل نخ کردن مهره ها محدود بود، به جز یک دفتر شعر که برای تمرین خانگی بچه ها بود، برنامه خاصی وجود نداشت. کلاً بی برنامگی و بی نظمی به اوج خود رسیده بود. تا اینکه بعد از جریان هایی، اوضاع کمی بهتر شد. وسایل کمک آموزشی جدید به مهد آمد و برنامه ها کمی بهتر شد. اما باز هم کافی نبود.»

او ادامه داد:

«. نابینایان با مشکلاتی روبرو هستند که شاید به نظر ما خیلی ابتدایی و خنده دار باشد. مثلاً نحوه غذا خوردن یک نابینای بیست ساله، شاید خوشایند نباشد. خیلی مهم است که یک فرد نابینا بتواند خوب غذا بخورد و آداب و معاشرت اجتماعی داشته باشد. اینها برای ما که بینا هستیم، مسائل پیش پا افتاده ای است اما برای نابینایان، هر کار ساده هم باید آموزش داده شود، حتی طرز گاز زدن یک لقمه غذا هم باید به آنها یاد داده شود، من چند روز پیش دیدم حسن در خوردن یک ساندویچ کوچک مشکل دارد. اشکم درآمد که بعد ۵ سال، هنوز در مهد کودک به پسرم یاد نداده اند که چطور غذا بخورد. متاسفانه الان بیشتر سرمایه گذاری ها روی نابینایان بزرگسال می شود و بچه های نابینا، اصلاً دیده نمی شوند. در حالی که اگر از بچگی با آنها کار شود، در بزرگسالی هزینه کمتری صرف آموزش آنها می شود و هم اینکه خود نابینایان، از اینکه بزرگ شده اند و در کارهای ابتدایی مانده اند، خجالت نمی کشند. تمام حرف ما مادران بچه های نابینا در مهد کودک همین بود که کوچولوهای نابینا دیده شوند و از آموزش های ابتدایی بیشتری برخوردار باشند، متاسفانه مربیان این مهدها هم آموزش لازم را برای کار کردن با بچه های نابینا نمی بینند و بیشترشان نمی دانند چطور با یک کودک نابینا رفتار کنند. از طرف دیگر، وسایل و امکانات آموزشی و کمک آموزشی هم بسیار کم است بنابراین آنطور که باید، با بچه ها کار نمی شود.»

«مادر یک روشندل» در مورد انگیزه اش از وبلاگ نویسی در حوزه نابینایان گفت:

«. تصمیم گرفتم که با نوشتن وبلاگ، همه حرف ها و شکایت هایم را بنویسم. به جایی احتیاج داشتم که فریاد بزنم و خودم را خالی کنم. حتی می خواستم اسم وبلاگ را بگذارم «جوجه تیغی» که تند و تیز باشد اما ترسیدم بخاطر این اسم، هر کسی به وبلاگ بیاید و هرچه خواست، بگوید. نمی خواستم از هدفم دور شوم. گفتم اسمی بگذارم که نشان دهنده هدف، جنسیت و شخصیتم باشد و معلوم کند برای که و برای چه می نویسم. مخصوصاً کلمه روشندل را آوردم که منظورم را بیان کند، کار را شروع کردم و با سایت ها و افراد مختلفی آشنا شدم. با بهتر شدن اوضاع مهد کودک نابینایان، من هم سعی کردم در بیان حرف هایم، ملایم تر باشم. حالا هدف دیگرم این است که از راه وبلاگ، اطلاعاتم را بیشتر کنم و بتوانم کمک بیشتری به پسرم حسن و بقیه نابینایان کنم.»

«مادر یک روشندل» در جواب اینکه وبلاگش چه تعداد بازدیدکننده دارد، گفت:

«. برای من مهم نیست چند نفر از وبلاگم بازدید می کنند. برای بعضی ها، مهم است که مدام کنتورشان را چک کنند اما من دنبال این هستم که حرف ها و محرومیت های بچه های نابینا را به گوش دیگران برسانم.»

این مادر حالا دیگر به تنهایی، بعضی برنامه های تفریحی و سرگرم کننده را برای بچه های نابینا تدارک می بیند. بچه ها را به باغ وحش می برد، برایشان عروسک می سازد و نمایش عروسکی اجرا می کند، باغ وحش کاغذی می سازد و خیلی کارهای دیگر هم برای پسر نابینایش «حسن» و هم برای همه بچه های نابینایی که او آنها را مثل فرزندش می داند.

داشتن یک کودک نابینا به کنار، مشکلاتی که بخاطر نارسایی های اجتماعی مضاعف می شود، تمام شدنی نیست. برای همین است که حس کردم گلایه های مادر یک روشندل هم تمامی ندارد. فکر کردم درد او را نه من، که کسانی می فهمند که همچون او، شاهد چشمان بی سوی کودک خود و مشکلات بی اندازه اش باشند...

WWW.roshandel. persianblog . com

نمونه هایی از مطالب وبلاگ «مادر یک روشندل»

دوشنبه، ۶ مرداد، ۱۳۸۲

حسنی بلا

سلام

یادمه حسن خیلی کوچولو بود، دائم موقع راه رفتن پایش به لبه مبلها میخورد و آه و ناله اش می رفت هوا. از اونجا که همیشه خودمو خونسرد نشون می دادم، میومدم بغلش می کردم و گاهی هم بتادین یا کمی روغن به محل ضرب دیدگیش می زدم. این شده بود عادت حسن. بعد از یه حادثه کوچولو، فوری می گفت مامان بتادین. من هم گاهی (معمولاً وقتی سر کامپیوتر می نشستم) با عرض پوزش برای اینکه به کارم برسم و از جام بلند نشم، کمی انگشتمو خیس کردم و به پاش می زدم و می گفتم: مامان بتادین زدم. چند روز بعدش وقت بازی با پدرش، دست باباشو خراش داد، بعد فوری انگشتشو تا ته کرد تو دهنش و مالید به دست باباش و گفت بذار بتادین بزنم...

این هم نمونه ای از درک بالای بچه ها. با اینکه حسن دید کافی نداشت، نمی دانم چطور متوجه کلک مرغابی من شده بود. هم خندیدم، هم ناراحت شدم تا من باشم سر حسن رو کلاه نزارم... ممنونم حسن، درس بزرگی بهم دادی. ممنونم.

سه شنبه، ۲۴ تیر، ۱۳۸۲

0 ما معلولین هم انسانیم!

من واقعاً متأسف می شم وقتی گاه گداری می بینم کسی میاد و به قول خودش متأسف می شه که من یک فرزند نابینا دارم. و یا میاد در بلاگش مثلاً تبلیغ بنده را بکنه میگه: هر وقت خوشی زد زیر دلتون بیاید فلان جا ببینید مردم چطور زندگی می کنند و یا یکی دیگه میاد میگه اسم و بلاگش ترحم برانگیزه و یا اینکه چقدر این بیچاره غمگینه و یا...

از این پیامها زیاد داشتم، ولی فرصت جواب دادنش رو نداشته ام یا برام مهم نبود. می دونید من اصلاً از اینکه کسی میاد و این صحبتهای ترحم برانگیز رو می کنه ناراحت نمی شم چون متأسفانه جو مملکت ما اینجوریه و مردم اغلب از روی دلسوزی و همذات پنداری این حرف را می زنند، ولی نحوه گفتنشون زیاد مناسب نیست.

من در اینجا یعنی محیط وب نویسی که تقریباً تمام اعضای آن حداقل دیپلم به بالا هستند، انتظار این کج اندیشی را ندارم... چرا برخی فکر می کنند معلولین هر جا حضور دارند برای اینه که کسی دلش بسوزه؟ مادر یک کودک روشندل چرا دلش نمی خواد از مشکلات عدیده فرزندش در این محیط بنویسه؟ من هیچگاه مشکلات واقعی حسن و دوستانش رو ننوشتم از بس از این پیامها دیدم و شنیدم از نوشتنشون منصرف شدم. می دونید من از این دلسوزیها اصلاً خوشم نمیاد هیچکدام از والدین کودکان معلول از این دلسوزیها خوششون نمیاد، هر چند که اغلب از روی انسان دوستی پیش میاد، می دونید من هم مثل شما هستم که فرزندی عادی و سالمی دارید، منتها مشکلاتی که مسئولین زیاد در فکر رفعش نیستند و یا کمبود تسهیلات رفاهی و مهمتر از اون آموزشی منو دلگیر می کنه، اگر کودک من مشکل بینایی نداشت، مطمئناً او را به بهترین مهد تهران می بردم، چون اعتقاد من این است که بهترین سالهای عمر همین ۵ تا ۶ سال اول زندگیست. اما متأسفانه مهدهای عادی یا بهتر بگم بچه های عادی، کودکان نابینا یا هر معلولیت دیگر را به جمعشون راه نمی دهند و یا با حرفهای گزنده که ناشی از تربیت غلط خانوادگیست، باعث سرخوردگی کودکان ما می شوند. از همین روست که مادر راضی نمی شود حتی به بهانه اینکه باید با همین مردم زندگی کنه، او را به مهد عادی بفرستد.

اگر رنگ بلاگم سیاهه از آنجا نیست که کودک من نابیناست و تصور می کنید که سیاه می بینه. این سلیقه شخصی من بود. من رنگهای شادی که در بالا و پایین صفحه بود را دیدم و برخی فقط رنگ سیاه را دیدند... مهم نیست. من امکانات دیگری برای وبم در نظر گرفتم، ولی متأسفانه بچه ها وقت منو کاملاً پر کرده اند و من دلم نمیاد از وقت آنها بزنم و به کارهای جانبی خودم برسم. کم کم این امکانات رو اضافه می کنم.

در ضمن باز هم می گم حسن نابینای مطلق نیست، ولی بینایی او در حد درک نوره. هنوز هم وقتی به او نابینا می گویند اشک تو چشمم حلقه میزنه و تا به حال از او به عنوان معلول اسم نبرده بودم، چون بر این اعتقاد نبودم و نیستم، ولی دیدم این کلمه بیشتر در بین عوام جا افتاده.

در آخر هم باز هم می گم از هیچ کس دلگیر نیستم، امیدوارم نگرش مردم ما از یک معلول با هر نوع معلولیت عوض بشه. من اصلاً غمگین نیستم و سعی می کنم روحیه خودمو حفظ کنم، منتها وقتی ما مادران وارد مهد می شیم ناخودآگاه روحیه همدیگه رو با صحبت درباره بیماریهای متعدد بچه ها که خوشبختانه حسن نداره، ضعیف می کنیم و باعث میشه من در بلاگم غمگین بنویسم. البته این ماه نیز فقط روز چهارمش خوبه که تولد حسنه. من در این ماه چند تن از عزیزانم رو از دست دادم بهزاد، پسر عموی نوجوانم و عمویم و... که از آنها زیاد ننوشتم که فضا بیشتر غم انگیز نشه.

این دو متن اخیر طولانی شد. معذرت می خوام، امیدوارم فرصت خوندنشو داشته باشید. چون من صفحه شما رو حتماً می خونم حتی اگه طولانی باشه.

حسین تازه بیدار شده و حسن داره مخ خاله اش رو تلید می کنه. برم به داد یاس برسم که مخش سوت شد.

تا بعد.

این باغ وحش را «مادر یک روشندل» برای بچه های نابینا ساخته است

گفتگویی صمیمی با «مادر یک روشندل»

نگین حسینی Negin @ Lyemail. Com

اینجا کسی کودکان نابینا را نمی بیند...

رد پای خداوند...

این مطلب را از اینترنت گرفتم. یکی از دوستانم، از کانادا برایم ای .میل کرده بود. حیفم آمد برایتان در صفحه نگذارم؛ بخوانید تا ببینید چقدر اثر گذار است...

رد پای خداوند

دیشب رؤیایی داشتم:
خواب دیدم بر روی شن ها راه می روم،
همراه با خود خداوند.
و بر روی پرده شب
تمام روزهای زندگیم را، مانند فیلمی می دیدم.
همان طور که به گذشته ام نگاه می کردم،
روز به روز از زندگی را،
دو رد پا بر روی پرده ظاهر شد،
یکی مال من و یکی از آن خداوند.
راه ادامه یافت، تا تمام روزهای تخصیص یافته خاتمه یافت.
آن گاه ایستادم و به عقب نگاه کردم.
در بعضی جاها فقط یک رد پا وجود داشت....
اتفاقاً آن محلها مطابق با سخت ترین روزهای زندگیم بود،
روزهایی با بزرگترین رنجها، ترسها، دردها و...
آن گاه از او پرسیدم:
«خداوندا! تو به من گفتی که در تمام ایام زندگیم با من خواهی بود و من پذیرفتم که با تو زندگی کنم.
خواهش می کنم به من بگو چرا در آن لحظات دردآور مرا تنها گذاشتی؟
خداوند پاسخ داد:
«فرزندم، تو را دوست دارم و به تو گفتم که در تمام سفر با تو خواهم بود.
من هرگز تو را تنها نخواهم گذاشت،
نه حتی برای لحظه ای،
و من چنین نکردم.
هنگامی که در آن روزها، یک رد پا بر روی شن دیدی،
من بودم که تو را به دوش کشیده بودم.»

فرهنگ عامیانه برزیلی

از چاله به چاه!

این عکس ها حتماً برای تان آشناست؛ خیلی از کوچه ها و خیابان های ما، از این چاله ها و دست اندازها کم ندارند اما این یکی اتفاقاً درست در خیابانی قرار دارد که دو مجتمع آموزشی .توانبخشی نابینایان در آن واقع است: خیابان عبید زاکانی (خیابان قزوین)

یک طرف پیاده رو این خیابان، بالاخره بعد از ۷.۸ ماه بازسازی شده و طرف دیگرش، هنوز به همین صورت است که می بینید. چند چاه که درست در مسیر عبور نابینایان قرار داشت، حالا دارای درپوش هایی شده اند که هنوز خطراتش کم نیست.

نابینایان که هر روز باید این مسیر را طی کنند، می ترسند از این قسمت رد شوند! چون معلوم نیست اگر از یک چاله، جان سالم به در ببرند، به کدام چاه خواهند افتاد...

بسمه تعالی

دانشگاه صنعتی شریف در یک نگاه

دانشگاه صنعتی شریف

دانشگاه صنعتی شریف در **سال ۱۳۴۴** با هدف تربیت و تأمین بخشی از نیروهای متخصص مورد نیاز کشور، با کیفیتی همسطح دانشگاههای معتبر جهان تأسیس گردید. این دانشگاه در مقایسه با بسیاری از دانشگاههای ایران و جهان دانشگاهی جوان و در حال رشد است. خوشبختانه درمدت کوتاه حیات علمی خود توانسته است به صورت یک دانشگاه پیشرو در صنعت، فناوریهای روز و علوم کاربردی در سطح ملی، منطقه و جهان مطرح و جایگاه ارزشمندی را پیدا کند. وبعنوان محلی برای تبدیل رویاهای نسلهای ایرانی به واقعیتهای امروزی همواره مورد تحسین و شگفتی جامعه باشد. **زیباییهای پرفروغ این دانشگاه، فراهم نمودن محیطی است علمی و پویا برای آنهایی که برای کسب دانش تلاش می کنند، و محلی است برای آنهایی که واقعیات و حقایق علمی را درک کرده، برای نشان دادن آن به دیگران کوشش می کنند.**

دانشگاه صنعتی شریف دیدگاه خویش را در خلق، انتشار و کاربرد دانش در یک محیط یادگیری کامل و پویا جستجو می کند. این دیدگاه سبب ارتقاء کیفی آموزش، پژوهش، و ارائه خدمات به جامعه و حل مسائل آن در حد توان شده است. بطوریکه با **بیش از ۳۶ سال تجربه** مفتخر است که توانسته با یاری خداوند، تلاش استادان کارآمد و مجرب، محققین برجسته، و همچنین با بهره گیری از امکانات کمک آموزشی و آزمایشگاههای مجهز، دانشجویان مستعد خویش را در سطح کارآمدترین نیروهای علمی و فنی کشور تحویل جامعه دهد.

ازاینروست که دانش آموختگان این دانشگاه بحمدالله همواره در ردیف قویترین مهندسین، و بالاترین مدیریتهای علمی، فنی، و اجرایی کشور قرار داشته اند. بعلاوه، دانش آموختگان این دانشگاه مکرراً در آزمونهای متمرکز ورودی کارشناسی ارشد از نظر میانگین نمرات و درصد قبولی از کارشناسی به کارشناسی ارشد در اکثر رشته های فنی ـ مهندسی و علوم پایه بالاترین مقام را در بین دانشگاههای کشور داشته اند. همچنین آنهایی که به قصد ادامه تحصیل راهی خارج از کشور شده اند به خوبی در سطح بین المللی درخشیده اند، و پس از کسب موفقیتهای والای علمی منشاء خدمات ارزنده ای شده اند.

میزان **انتشارات و مقالات علمی** دانش آموختگان و استادان این دانشگاه در چند سال گذشته افزایش قابل توجهی را نشان می دهد، بطوریکه این دانشگاه از نظرسرانه مقالات علمی چاپ شده اعضاء هیئت علمی در مجلات معتبر بین المللی در ده سال گذشته و همچنین درصد اعضاء هیئت علمی با درجه دکتری مقام نخست را در بین دانشگاههای کشور دارا می باشد.

به پاس تلاشهای بی شائبه استادان، دانشجویان، و کارکنان ارجمند، این دانشگاه در سالهای اخیر موفق شد تا از سوی وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری **در ۸ زمینه مهندسی و علوم پایه، بعنوان قطب های علمی کشور در رشته های مربوط شناخته شود.**

این دانشگاه در سالهای گذشته سهم عمده ای در تربیت برگزیدگان **المپیادهای شیمی، فیزیک، ریاضی، و کامپیوتر** و آماده سازی آنها برای شرکت در رقابتهای جهانی داشته و اکثریت قریب به اتفاق این عزیزان ضمن شرکت در رقابتهای جهانی و کسب مقامهای بین المللی در این دانشگاه به تحصیلات خود ادامه می دهند. بعلاوه کسب مقام قهرمانی و نایب قهرمانی در مسابقات جهانی رباتهای امدادگرو شبیه سازی ، و مقام سوم جهان دردهمین مسابقات بین المللی دانشجوئی ریاضی در کشور رومانی و کسب چندین مدال طلا و نقره از جمله این موفقیتها در سال جاری است.

نمودارهای ارائه شده روند استقبال داوطلبان عزیز در آزمونهای سراسری ریاضی، فیزیک، در سالهای گذشته را که برای ادامه تحصیل دانشگاه صنعتی شریف را انتخاب نموده اند نشان می دهند.

مدیریت و استادان این دانشگاه از این اقبال و اعتماد عمومی قدرشناسی و سپاسگزاری نموده و به آن افتخار می کنند، و البته در مقابل مسئولیت سنگینی برای خود احساس می کنند. ازاینرو همواره در تلاشند تا مناسبترین وسایل ارتقای علمی و فرهنگی را برای این عزیزان که ارزشمندترین سرمایه های ملی ایران عزیز هستند، فراهم آورند. بدین منظور، مدیریت دانشگاه و دانشکده ها همواره سعی بر آن دارند تا در **جذب استادان کارآمد با تخصصهای علمی متنوع و جدید** به زمینه های علمی در دانشکده ها پویایی بخشند. بعلاوه تجهیز آزمایشگاههای آموزشی و پژوهشی، غنی کردن امکانات کتابخانه های دانشگاه، گسترش شبکه اینترنت، و مجهز شدن به فناوری اطلاعات، و آموزشهای مجازی از جمله فعالیتهایی است که همواره مورد عنایت مدیریت دانشگاه بوده، تا بهترین امکانات موجودکشور را برای رشد و شکوفایی هرچه بیشتر این استعداهای ارزشمند فراهم آورند.

ازجمله تسهیلاتی که این دانشگاه برای دانشجویان ممتاز فراهم نموده عبارتند از: ورود به دوره دکترا بدون آزمون پس از اتمام دوره کارشناسی ارشد، قبول برخی از دروس پایه دانشگاهی برای دانش آموزان المپیادی که قبلاً به آنها آموزش داده شده، و یا تحصیل همزمان در دو رشته کارشناسی به هم مرتبط.

همکاری صمیمانه و نزدیک اعضاء هیئت علمی در دانشکده ها و گروههای مختلف با هم و با کارکنان و دانشجویان **جوی از تفاهم و نمونه زیبایی از تلاش و کار دسته جمعی** را در محیط آموزشی و پژوهشی در این دانشگاه فراهم کرده است. این همکاری و تفاهم و همدلی، محیطی با نشاط، زنده و پویا در دانشگاه بوجود آورده که خود موجب شکوفایی و رشد فعالیتهای علمی و فرهنگی بین دانشجویان در این دانشگاه شده و تأثیر بسزایی در جذب دانشجویان نخبه کشور دارد.

از اینگونه فعالیتها می توان به انتشار مجلات علمی و فرهنگی دانشجویی توسط کلیه دانشکده های این دانشگاه (که برخی در سطح وسیع در کشور توزیع می شود)، برگزاری گردهمایی های علمی در سطح ملی و بین المللی دانشجویی و اجرای اردوها و سفرهای متنوع علمی آموزشی اشاره کرد.

افزون بر اعتبار علمی آنچه موجب اعتلای بیشتر این دانشگاه گردیده تلاش مداوم و هماهنگ دانشجویان، اساتید و کارکنان این دانشگاه در استقرار ارزشهای انسانی، اخلاقی و اسلامی بوده و از آنجمله مبارزه برای استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی قبل از پیروزی انقلاب و دفاع از دستاوردهای آن و مشارکت در سازندگی پس از پیروزی را می توان نام برد.

دانشگاه صنعتی شریف بر این باور است آنچه مایه جذب دانشجویان ممتاز می گردد توجه جدی و دلسوزانه به آموزش و تحقیقات و وجود استادان با تجربه در سطح علمی بالا و فراهم آوردن زمینه های خلاقیت و شکوفایی استعدادهای آنان می باشد. در عین حال این دانشگاه معتقد است مشکلات مادی دانشجویان نباید مانع پرداختن به وظایف و علاقمندیهای علمی آنان گردد. از اینرو در حد امکان تسهیلاتی را برای این قبیل دانشجویان در نظر گرفته است که دراین مورد می توان به واگذاری خوابگاه در بدو ورود به کلیه داوطلبان پذیرفته شده از شهرستانها اشاره کرد. موضوع مهمی که تذکر آن بسیار ضروری به نظر می رسد این است که این دانشگاه در گذشته شاهد عدم موفقیت دانشجویانی بوده است که از سطح علمی بالایی برخوردار نبوده اند. اکثریت این قبیل دانشجویان علیرغم تمهیداتی که برای ارتقاء سطح علمی آنها اندیشیده شده، با توجه به سطح علمی دانشگاه و رقابتهای موجود متأسفانه در تحصیلات خود در این دانشگاه موفق نبوده و برخی براساس ضوابط و مقررات مجبور به ترک دانشگاه شده اند. بنابراین توصیه می شود تنها داوطلبانی که دارای **معدل کتبی بیش از ۱۵** هستند، این دانشگاه را بعنوان محل تحصیل خود انتخاب نمایند.

در خاتمه نکاتی چند به داوطلبین عزیز ورود به دانشگاهها در خصوص انتخاب رشته خاطرنشان می شود:

انتخاب موضوعی رشته باید با آگاهی از سه مورد زیر انجام پذیرد:

(علاقه واقعی داوطلب،

(محتوای علمی و فنی رشته های گوناگون، زمینه های کاربرد آنها و نیازهای جامعه،

(سطح علمی داوطلب و آمادگی لازم برای توفیق در هر رشته تحصیلی خاص.

به داوطلبان عزیز توصیه می شود مشورت با صاحبنظران و دانش آموختگان هر رشته را جدی گرفته از مشاوره با افراد نا آشنا به مسائل دانشگاهی و تأثیرپذیری از جو کاذب در خصوص چند رشته خاص پرهیز نمایند.

متأسفانه عدم رعایت مسائل بالا باعث شده است که بسیاری از داوطلبان مستعد فقط به چند رشته خاص توجه نموده، از رشته های دیگر علیرغم اهمیت، زیبایی موضوعی، بازار کار خوب یا اهمیت راهبردی آنها با توجه به ویژگی های خاص این مرز و بوم، ذخایر ملی و نیاز مبرم جامعه غافل بمانند. نمونه هایی از مواردی که مورد غفلت داوطلبان قرار گرفته و توجه ویژه به آنها توصیه می شود عبارتند از: ریاضی، فیزیک، شیمی، مهندسی شیمی، مهندسی علم مواد، مهندسی هوافضا.

درضمن داوطلبان علاقمند به تحصیل در رشته مهندسی مکانیک توجه فرمایند که در راستای سیاستهای دانشگاه صنعتی شریف در ارائه برنامه های آموزشی پویا و مطابق با روند جهانی، از سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ پذیرش در این رشته بدون گرایش بوده و دانشجویان می توانند درحین تحصیل پس از گذراندن دروس مشترک، مطابق با علاقه خود و با مشورت استاد راهنما دروس اختیاری خویش را در یکی از زمینه های تخصصی مهندسی مکانیک (نظیر طراحی جامدات، حرارت و سیالات و ...) بگذرانند و بعنوان **مهندس مکانیک** فارغ التحصیل شوند. بعلاوه با توجه به هماهنگی های بعمل آمده با سازمان سنجش آموزش کشور این فارغ التحصیلان می توانند همانند سایر فارغ التحصیلان قبلی این رشته در دوره های کارشناسی ارشد گرایشهای مختلف مهندسی مکانیک ادامه تحصیل دهند.

موفقیت شما عزیزان علاقمند به کسب دانش و تخصص را در هر دانشگاهی که باشید در خدمت به جامعه آرزومندیم.

روابط عمومی دانشگاه صنعتی شریف

آدرس پایگاه اطلاعاتی دانشگاه صنعتی شریف در شبکه جهانی:
Http://www.sharif.edu

پذیرفته شدگان دانشگاه با رتبه بین ۱۰۰ـ۱ بر حسب سال از سال تحصیلی ۷۷ـ۷۶ تا سال تحصیلی ۸۲ـ۸۱

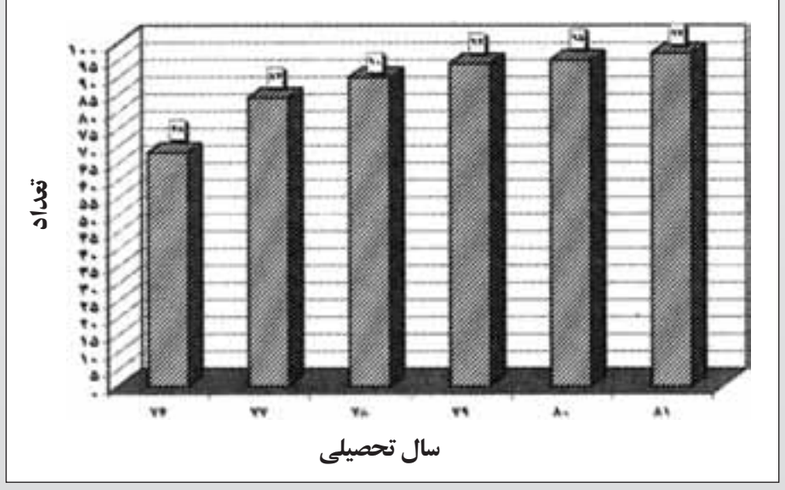

پذیرفته شدگان دانشگاه با رتبه ۵۰۰ـ۱ بر حسب سال از سال تحصیلی ۷۷ـ۷۶ تا سال تحصیلی ۸۲ـ۸۱

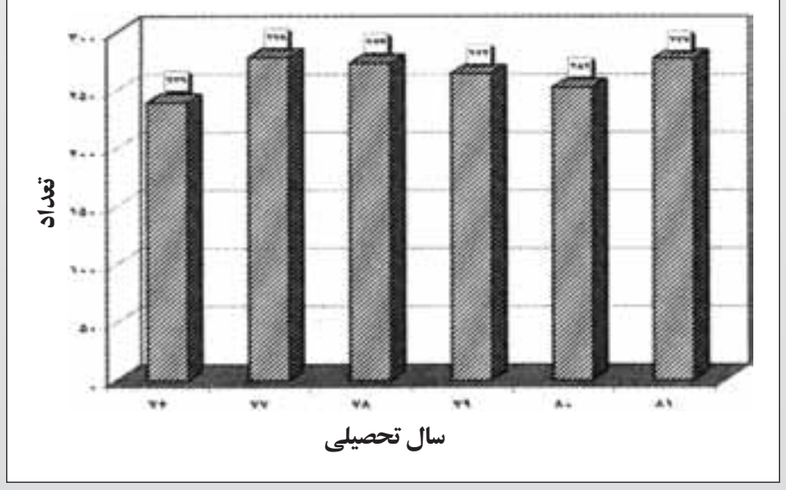
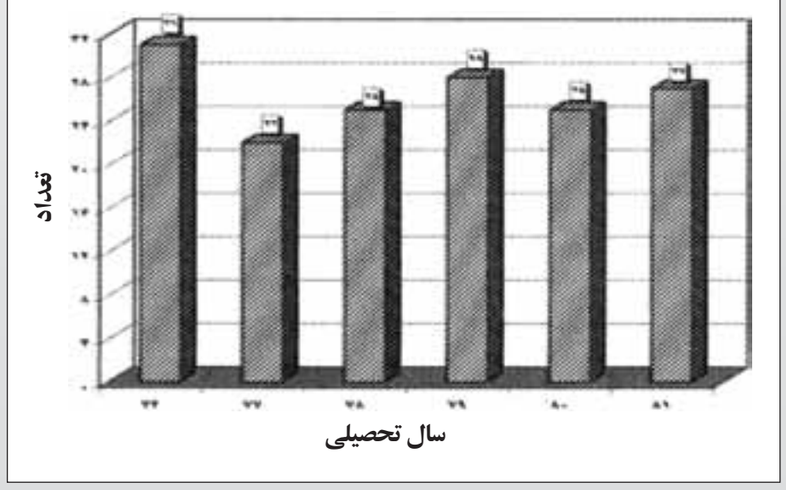
پذیرفته شدگان ممتاز سهمیه المپیادها در دانشگاه بر حسب سال از سال تحصیلی ۷۷ـ۷۶ تا سال تحصیلی ۸۲ـ۸۱